

روحانی شهید میرزا کوچک جنگلی

و دوستان نیمه راه

قیام سردار اسلامی در گیلان و مجتهد دیلمانی

مؤلف: محمداسماعیل عرفانی (برقی)

www.ketab.ir

انتشارات آموزش و پژوهش بوعلی

آدرس: تهران، میدان ولیعصر، نرسیده به خیابان زرتشت، کوچه ناصر،
پلاک ۳۲ واحد ۳ تلفن: ۰۲۱-۸۶۰۳۷۴۲۸ info@boulalipub.com

سرشناسه	عرفانی، محمد اسماعیل-۱۳۳۸
عنوان	روحانی شهید میرزا کوچک جنگلی و دوستان نیمه راه، قیام سردار اسلامی در گیلان و مجتهد دیلمانی
مشخصات نشر	تهران، انتشارات آموزشی و پژوهشی بوعلی ۱۳۹۶
مشخصات ظاهر	۲۱۷ صفحه، مصور
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۸۵۰-۲۶-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	فارسی
موضوع	هفت جنگل-گیلان-ایران ۱۳۳۳-۱۳۴۰ق-تاریخ
شناسه افزوده	
رده بندی کنگره	DSR ۱۴۷۱/ع۴۹۳
رده بندی دیویی	۸۵/ ۷۵۲۰۱۳
شماره کتابشناسی ملی	۸۴۱۸۵۱
ناشر	انتشارات آموزشی و پژوهشی بوعلی
مدیر مسئول	سیده نیلوفر شامی
مدیر اجرایی	محمد هادی احمدی
صفحه آرای و طراحی جلد	انتشارات آموزشی و پژوهشی بوعلی
تیراژ	۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	اول - ۱۳۹۶
چاپ و صحافی	چاپ نشاط
قیمت	۱۹۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق و حق چاپ متن و عنوان کتاب که به ثبت رسیده است؛ مطابق با قانون حقوق مؤلفان و مصنفان و مصوب ۱۳۴۸ محفوظ و متعلق به مؤلف می باشد. هرگونه برداشت، تکثیر، کپی برداری به هر شکل (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی از مؤلف ممنوع بوده و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

فهرست

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۳	فصل اول
۱۴	جواب سید حسن مدرس راجع به قیام جنگلیها
۱۵	اولین عضویت میرزا کوچک خان
۱۶	تدریس و تلمیذ
۱۷	کوچک خان
۱۹	اوصاف میرزا کوچک خان از آقاخان
۲۰	اولین برخورد با دشمن
۲۲	قیام میرزا کوچک جنگلی
۲۴	تمرین نظامی جنگلیها
۲۶	بازسازی نهضت جنگل
۲۷	انقلاب در روسیه
۳۰	ورود میرزا کوچک به رشت
۳۲	کودتای سرخ
۳۶	آخرین نفرات جنگلیها
۳۷	کودتای جنگل (آخرین جلسه)
۴۲	ورود قوای دولتی به گیلان
۴۵	نفاق و اختلاف بین جنگلیها
۴۸	مقدمه صلح با قوای دولت
۴۹	اعدام دکتر حشمت
۵۰	مخالفین میرزا کوچکخان
۵۲	حفظ تمامیت ارضی ایران
۵۳	نامه میرزا کوچکخان در ارتباط با کمونیستهای رشت
۵۵	قسمتی از نامه میرزا کوچکخان در رابطه با اشخاص بیتعهد و فاسد
۵۶	نفاق رشیدالممالک خلخالی با میرزا کوچکخان

۵۹	آخرین نامه میرزا کوچکخان.....
۶۱	آخرین دیدار با همسر.....
۶۳	داستان جدا کردن سر از بدن شهید میرزا کوچکخان.....
۶۸	سرنوشت سر میرزا کوچکخان.....
۶۹	آرامگاه میرزا کوچکخان.....
۷۰	حضور مجاهدین در ارتفاعات سیاهکل.....
۷۱	فصل دوم.....
۷۲	حیدر خان و قرهخان.....
۷۳	فدایان و گرفتن حیدر خان.....
۷۴	زنان حیدر خان.....
۷۴	جدانی میرزا کوچک و دکتر حشمت.....
۷۵	وقار خانم، زن حیدر خان و هماندوست.....
۷۶	ورود میرزا کوچک خان به خطه سیاهکل و دیلمان.....
۷۷	قوای جنگل و اعزام نماینده به سرهیلان.....
۷۸	هیئت چهار نفری جنگل به سیاهکل و دیلمان.....
۷۹	حمله روسها به سیاهکل.....
۷۹	جلوگیری از دزدیهای حیدر خان و قرهخان.....
۸۱	انتقام حیدر خان و قرهخان از هیئت چهار نفری جنگل.....
۸۲	مشیر الممالک و شجاع الممالک.....
۸۳	عروسی هیبت خانم.....
۸۴	کشته شدن قرهخان و پسرش نامدار خان.....
۸۵	ظلم و ستم حیدر خان.....
۸۶	حیدر خان انتقام میگیرد.....
۸۷	حمله قوای دولتی به فشتال.....
۸۸	تجمع دوباره حیدر خان و گروه باقی مانده مسلح.....
۸۹	آزادی هیبت خانم.....
۹۰	سرانجام حیدر خان.....
۹۱	تصفیه حسابهای شخصی.....
۹۲	رضا تقوی و تقی باروت کوبی.....
۹۵	فصل سوم.....

۹۶	 سند اول
۹۹	 سند دوم
۱۰۴	 شوهر اول هیبت خانم
۱۰۵	 چرا راز را افشا کردی؟
۱۰۶	 بهلولان اسب راهان
۱۰۶	 قطع ارتباط با میرزا کوچک
۱۰۷	 قتل و غارت در سیاهکل و دیلمان
۱۱۰	 نافرمانی از میرزا کوچک
۱۱۱	 آقای میرابوالحسن
۱۱۵	 کشتن برار جان خان
۱۱۶	 الگوی زنان
۱۱۷	 به قتل رساندن گلپور
۱۱۹	 داستان ضرب علی
۱۱۹	 نقدی بر کتاب سیاهکل (دیار پیدار)
۱۲۲	 داستان نقد علی
۱۲۳	 داستان سر لیل
۱۲۵	 حسین دادرس
۱۲۶	 حاجی خان بکوشته
۱۲۹	 فصل چهارم
۱۳۰	 آیت الله میرزا احمد مجتهد دیلمانی
۱۳۹	 حاج قاسم دیلمی
۱۴۱	 گزارش فریدون آدمیت
۱۴۲	 نوشته رابینو و لاهیجانی
۱۴۴	 آخرین کلام
۱۴۷	 فصل پنجم
۱۴۸	 نامه‌های ثبت شده میرزا کوچک خان جنگلی
۱۴۸	 سند اول: (رفت و آمد نکردن با بلشویکها)
۱۴۹	 سند دوم: (جلوگیری از تجاوز بلشویکها)
۱۵۰	 سند سوم: (مواظب جاسوس باشید)
۱۵۱	 سند چهارم: (خارج کردن بلشویکها)

۱۵۱	سند پنجم: (آزاد کردن قاصد)
۱۵۲	سند ششم: (بیشرفت در امور مدرسه)
۱۵۲	بازنویسی اسناد محو شده و فرسوده
۱۵۲	سند هفتم: (مطالبه اعانه)
۱۵۳	سند هشتم: (صورت اسامی مجاهدین)
۱۵۳	سند نهم: (تهیه شال و تهیه لباس)
۱۵۴	سند دهم: (احترام به صادقخان کوچکی)
۱۵۴	سند یازدهم: (در تعقیب راپورت)
۱۵۵	سند دوازدهم: (قرار ملاقات)
۱۵۶	سند سیزدهم: (مردی در خصوص دسته مجاهدین)
۱۵۶	سند چهاردهم: (ارسال تفنگ و فشنگ)
۱۵۷	سند پانزدهم: (زیر به کردن حصار)
۱۵۷	سند شانزدهم: (فشنگ دادن به مأمورین)
۱۵۸	سند هفدهم: (تفنگ کفایت میکند)
۱۵۸	سند هیجدهم: (کرایه اسبها را بپردازید)
۱۵۹	فصل ششم
۲۱۳	منابع

مقدمه

در کتابی نوشته شده بود که هیچ روایت مکتوبی از زندگی و مبارزات حیدرخان (اسیراهانی، فشتالی، دیلمانی) در دست نیست مگر قطعه عکسی که در چاپ چهارم کتاب (سردار جنگل) نوشته‌ی ابراهیم فخرائی از حیدرخان و دار و دسته‌اش در آن چاپ شده است و دیدار با میرزا کوچک که بعد از جدایی از دکتر حشمت با سختی زیاد با تعدادی از نیروهایش خود را به سر لیل رسانده است و با توجه به کتاب تاریخ انقلاب جنگل، میرزا می‌داند مناطق سیاهکل و دیلمان در دست حیدرخان و قره‌خان با گروه بزرگ مسلح به دزدی و راهزنی مشغول هستند - قرار دارد.

حیدرخان و قره‌خان در دیدار خود در سر لیل لاهیجان با میرزا، می‌خواهند او را در مسیر نه‌خی ساسانل و دیلمان و رسیدن به امامزاده هاشم کمک کنند ولی میرزا کوچک برای آن شرطی می‌گذارد که دیگر نباید دزدی کنید. ضرب المثلی است که دم سگ را مناسا دلب بستند اما پس از باز کردن به همان شکل اول برگشت. مگر حیدرخان از اسام و اخلاق بویی برده است؛ او تمام زندگی خود را به مردم‌آزاری و تصفیه حساب‌های شخصی و سکار خوک گذرانده و پای‌بند به اخلاق نیست تا بتواند روی حرف خود بایستد و به قواش عمل کند.

باز هم در همان کتاب نوشته شده بود، در تا سال ۱۳۴۰ که بیست و دو ساله بودم و مرتب کتاب می‌خواندم، پنجشنبه روزی خسرو گلسرخی با یکی از دوستانش که سیاهکلی بود به سیاهکل آمده بود آن‌ها به سراغ من آمدند و خسرو آمده بود تا درباره قیام حیدرخان تحقیق کند. به او گفتم هر آن‌چه به من می‌دانم روایت‌های ضد و نقیض و شفاهی مردم است که هیچ سرانجامی ندارد. خود من هم سوز جرأت نکرده‌ام دست به قلم ببرم و خسرو دست خالی به قزوین برگشت.

خسرو گلسرخی شخصی بود با افکار مادی گرایانه و کمونیستی و اصلاً به خدا اعتقاد نداشت او دنبال نقش حیدرخان در سیاهکل و دیلمان آمده و شنیده بود که حیدرخان افکار مادی گرایانه داشت و از طرفی هنوز ناامنی‌های حیدرخان در افکار مردم وجود دارد که از پدر بزرگ و مادر بزرگ خود شنیده‌اند؛ تجاوز به مال، اموال و ناموس در زمان حیدرخان به وسیله‌ی دار و دسته‌اش بیداد می‌کرد. مسلماً مردم و

نسل‌های بعد از حیدرخان تا چندین نسل قبول نخواهند کرد که حرکت او را به عنوان یک جنبش انقلابی بدانند و خیلی‌ها سعی کرده‌اند به دروغ حیدرخان را یک انقلابی و دوستدار میرزا کوچک خان قلمداد کنند و او را یک آزادی‌خواه و شهید معرفی نمایند - این یک فکر باطل است و نباید توسعه پیدا کند - اسناد و مدارک و شاهدان عینی همه دال به ظلم و جنایت حیدرخان و دار و دسته‌اش می‌باشد و نه طرفدار میرزا بود و نه آزادی‌خواه، بلکه خوش‌گذران مادی‌گرا که حتی نوامیس مردم نمی‌توانست از ترس این‌ها در بیرون آفتابی بشوند، هر چه را دوست داشتند زور مسلحه به دست می‌آوردند.

حیدرخان، فرمانده دار و دسته و گروه مسلح‌اش، طرفداران میرزا کوچک را در مناطق سیاهکل و دیلمان خون به جگر کردند و از دست‌شان خون و دل خوردند هر کسی به هیئت جنگل کمک و هم‌کاری می‌کرد تنبیه می‌شد در بین راه دیارجان و مربو هیئت جنگل را محاصره کرده و اسلحه و اسب‌هایشان را گرفتند و آن‌ها را پیاده نموده و در مربو چند شبانه‌روز مانوس و زندانی کردند پولشان را گرفتند و دیگر مردم از ترس جرأت نکردند به هیئت جنگل نزدیک شوند چون مورد بازخواست قرار می‌گرفتند و مال و اموال آن‌ها ثبت و ضبط می‌شد.

این کتاب برای آگاهی بیشتر مردم با توجه به اسناد و مدارک نوشته شده است تا آیندگان با دروغ‌های ظاهر فریب، گول نخورند و بتوانند با مطالعه آن از ناآواب، درست را از نادرست و راه بد را از راه خوب باز شناسند و با آگاهی به سناست طی طریق نمایند. انتخاب یک الگوی خوب و اسوه، هنری است که بعد از قرآن کریم (ص) و ائمه اطهار(ع) در هر زمانی به مردان خدا تعلق می‌گیرد که الگوی درره حیدرخان، میرزا کوچک جنگلی بوده است و تمام گیلان او را به عنوان رهبر اسلامی و روحانی مبارز در برابر متجاوزین انگلیس و روسیه و مزدوران داخلی آن‌ها از جمله رضاخان، می‌شناختند و اطاعت می‌کردند.

در قسمتی از این کتاب در رابطه با زندگی‌نامه آیت الله میرزا احمد مجتهد دیلمانی بحث و صحبت شده است که با توجه به استناد و سئوالات متعدد در رابطه با شایعه‌سازی برای این مرد مؤمن، که عمری را برای اسلام فداکاری و ایثار کرد، آن

هم در میان مردمان شیعه دوست دیلمان و آسیاب که با هر انحراف مبارزه می کردند مانند اعدام حاج قاسم دیلمی بخاطر بهائی بودن در همان دوره بابیت و بهائیت. ولی شخصیت آیت ... میرزا احمد مجتهد دیلمی همیشه مورد احترام بوده است. حتی در کتاب آیت ... محمد مهدوی لاهیجانی (جغرافیای گیلان) تمام مسائل گفته شده که شک و تردید را در مورد این شخصیت از بین می برد. عده ای افراط گرا، بنا به شایعاتی که از پیرمردی پرسیده ایم به تخریب شخصیت و قبر این بزرگوار پرداخته اند و مزید بر بهانه جاده سازی به آن افزوده اند.

محمد اسماعیل عرفانی (برقی)

۹۶/۱/۳۰